ذابح - ذی

ذبح:

رجوع کنید به: ذبح شرعی.

ذبح شرعی:

کشتن حیوانِ دارای خونِ جهنده، با رعایت ضوابط شرعی.

ذبیحه:

حیوانی که با دستور شرعی ذبح شده باشد.

ذراع:

بخشی از دست انسان (از آرنج تا نوک انگشتان).

نوعی واحد اندازه گیری مسافت، به طول تقریبی ۴۸ سانتی متر.

ذرّیه:

نسل انسان از دختر و پسر.

ذَکر:

آلت تناسلی مرد یا حیوان نر / مذکر.

ذِکر:

هر آنچه انسان را به یاد خدا بیاندازد.

ذکر نماز: آنچه در رکوع، سجده، قنوت و..گفته می شود.

ذکور:

پسران، مردان.

ذمّه:

عهده.

بر ذمّه گرفتن: به عهده گرفتن.

ذمّی:

رجوع کنید به: کافر ذمّی.

ذهاب ثلثین:

به بخار شدن دو سوم آب انگور که باعث حلیت آن می شود اطلاق می شود.

ذُهَب:

طلا

ذوالید:

کسی که مال را تحت تصرف خود دارد.

ذی:

صاحب.

ذی حق: صاحب حق.

ذی الخیار: کسی که دارای حق خیار است رجوع کنید به: خیار.

ذی رحم: خویشاوند.

ذی الید: کسی که مالی را تحت تصرف دارد.